



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوری مفیدی

موضوع کلی: روش‌های تفسیری

تاریخ: ۱۷ فروردین ۱۳۹۲

موضوع جزئی: اهمیت بحث از روش‌های تفسیری

مصادف با: ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۳۴

سال: سوم

جلسه: ۲۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### روش‌های تفسیری:

#### اهمیت بحث از روش‌های تفسیری:

یکی از مباحثی که در حوزه علوم قرآنی قرار می‌گیرد و نسبتاً بحث مهمی است بحث از روش‌های تفسیر قرآن است، ما در گذشته درباره معنای لغوی و اصطلاحی تفسیر بحث کردیم، اجمالاً مطلب این است که تفسیر در اصطلاح عبارت است از کشف معانی الفاظ قرآن و آشکار کردن مراد خداوند متعال؛ به عبارت دیگر، تفسیر عبارت است از توضیح و تشریح مراد استعمالی آیات و آشکار کردن مراد جدی بر اساس قواعد ادبی و اصول عقلانی محاوره، وقتی تفسیر این چنین معنی شود باید با ملاحظه این مطلب روش تفسیر هم تبیین شود، روش تفسیر یعنی نحوه استفاده از ابزار یا منابع خاص در تفسیر قرآن، یعنی ابزار و منابعی که به فهم معانی و مقاصد آیات و کشف مراد خداوند متعال کمک می‌کند، وقتی ما تفسیر را در اصطلاح به معنای کشف معانی الفاظ و آشکار کردن مراد خداوند متعال معنی می‌کنیم، روش تفسیر هم به تبع آن عبارت است از نحوه استفاده از ابزار یا منابع خاص در فهم معانی الفاظ و کشف مراد خداوند تبارک و تعالی، پس بحث از روش تفسیر در واقع بحث از چگونگی کشف و استخراج معانی و مقاصد آیات قرآنی است.

این بحث همان طور که اشاره شد از مباحث علوم قرآنی محسوب می‌شود، چون قبل از ورود در تفسیر باید معلوم شود که چه روشی در تفسیر قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد یعنی ابزارها و منابع فهم معانی الفاظ و کشف مراد خداوند متعال باید مشخص شود، از این جهت است که این بحث، مهم است و شاید در بین مباحث قرآنی که تا بحال مطرح شده این بحث از اهمیت ویژه و خاصی برخوردار باشد.

علاوه بر این نکته دیگری که اهمیت این بحث را بویژه امروزه بیشتر آشکار می‌کند مسئله دانش هرمنوتیک است که امروزه مورد توجه قرار گرفته است، حال اینکه چه ارتباطی بین بحث روش تفسیر و دانش هرمنوتیک وجود دارد و این دانش چه تأثیری در بررسی دانش‌های تفسیری دارد را بعداً مورد بحث قرار خواهیم داد اما الآن برای تبیین اهمیت بحث روش‌های تفسیری قرآن در شرائط حاضر اشاره‌ای اجمالی به این مسئله می‌کنیم، اینکه هرمنوتیک به چه معنی است، تعریف‌ها و بیان‌های مختلفی برای تعریف هرمنوتیک از ناحیه بسیاری از کسانی که در این زمینه بحث کرده‌اند وارد شده است.

بعضی گفته‌اند: هرمنوتیک علم به قواعد رمز گشایی و تأویل متن است. بعضی دیگر هرمنوتیک را به معنای علم درک معنای نشانه‌ها دانسته‌اند و در مقابل بعضی دیگر می‌گویند: هرمنوتیک هنر دست‌یابی به فهم کامل و تام عبارات گفتاری و نوشتاری است یا هنر درک زبان دیگران بویژه زبان نوشتاری است و یا هنر فهمیدن است. به هر حال دانش هرمنوتیک یا هنر و فن هرمنوتیک مطلبی است که به نوعی به بازنگری در مبانی فهم متون مقدس می‌پردازد، البته اساس این علم بعد از نهضت اصلاح دینی اروپا پدید آمد که به نوعی برای فهم متون مقدس به بازنگری روی آوردند و در مورد ماهیت فهم این متون نظریه پردازی کردند، بالاخره متن قرآن به عنوان یک متن مقدس خیلی مهم است که چگونه فهمیده شود، فهم متن قرآن طبیعتاً نمی‌تواند با دانش هرمنوتیک غیر مرتبط باشد، چون وقتی این دانش یا این هنر در مورد ماهیت فهم متون نظریه پردازی می‌کند طبیعتاً ارتباط تفسیر قرآن و روش‌های تفسیری قرآن با این مسئله آشکار می‌شود و نکته مهم اینجاست که بالاخره در دنیای امروز یکی از راه‌های برداشت‌های جدید از متون دینی تمسک به همین دانش یا فن است، الآن در مورد قرآن بر اساس همین دانش یا فن گاهی برداشت‌های غیر متعارفی می‌شود، لذا نسبت این مسئله با روش‌های تفسیری قرآن خیلی مهم است، سؤال این است که در فهم متنی مثل قرآن از چه ابزار و منابعی می‌توان استفاده کرد؟ آیا آنچه که امروز به عنوان دانش یا هنر هرمنوتیک برای فهم متون مقدس، مورد اتکاء قرار گرفته، می‌تواند برای فهم آیات قرآن و کشف مقاصد خداوند تبارک و تعالی هم مؤثر باشد؟ از آنجا که در حال حاضر این مطلب توسط بعضی روشن فکران مسلمان مورد توجه قرار گرفته لذا گاهی ملاحظه می‌شود در تفسیر قرآن مطالبی را ذکر می‌کنند که جز با اتکاء بر اصل دانش یا هنر هرمنوتیک قابل برداشت نیست، حال سؤال این است که آیا چنین چیزی جایز است و آیا ما مجوز چنین اتکایی را داریم یا نه بحث‌هایی است که بعد از ذکر انواع و انحاء روش‌های تفسیری انشاء الله به آن خواهیم پرداخت. به هر حال اجمال مطلب این است که بحث از روش‌های تفسیری قرآن هم ذاتاً از مباحث مهم علوم قرآنی است که قبل از ورود به تفسیر باید ابزارها و منابع خاصی که در تفسیر مورد استفاده قرار می‌گیرند، معلوم شود. بعلاوه عرضاً و به خاطر توجهی که در قرون اخیر به دانش و هنر هرمنوتیک شده و از این دانش یا هنر در فهم متون مقدس و از جمله قرآن کمک گرفته می‌شود بحث از روش‌های تفسیری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند لذا لازم است روش‌های تفسیری قرآن را به عنوان پایان بخش مباحث علوم قرآنی مورد بحث قرار دهیم.

### **انحاء روش‌های تفسیر:**

بعد از ذکر این مقدمه که در آن راجع به اهمیت و جایگاه بحث از روش‌های قرآنی اشاره کردیم به انحاء روش‌های تفسیری اشاره می‌کنیم.

### **تقسیم اول: تقسیم به لحاظ تعداد منبع**

برای روش‌های تفسیر قرآن تقسیمات مختلفی ذکر شده که هر کدام مزیت‌ها و مشکلاتی دارد؛ مثلاً به یک اعتبار روش‌های تفسیری قرآن را به دو روش کامل و ناقص تقسیم کرده‌اند.

**روش تفسیری کامل:** منظور از روش تفسیری کامل این است که بر ابزار یا منبع خاصی تکیه نشود و از همه ابزار یا منابع برای فهم و کشف معانی و مقاصد آیات، استفاده شود، یعنی هیچ منبع و وسیله‌ای فروگذار نشود.

**روش تفسیری ناقص:** روشی که در آن از بعضی از منابع و ابزارها برای کشف معنا و مراد گوینده استفاده می‌شود؛ مثلاً اگر کسی به خصوص روایات استناد کند، این یک تفسیر روایی است که بعضی می‌گویند این نحوه تفسیر، تفسیر ناقص است چون فقط از یک منبع استفاده شده و بدیهی است که استفاده از یک منبع نمی‌تواند به نحو کامل و تام مراد و مقصود گوینده را روشن کند، یا اگر کسی مثلاً در تفسیر قرآن به خود قرآن اتکاء کند که از آن به عنوان تفسیر قرآن به قرآن تعبیر می‌شود، در این صورت هم این نحوه تفسیر در مقایسه با روشی که برای کشف معنی و مقصود آیات از همه منابع و ابزارها در جای خود استفاده می‌کند، ناقص خواهد بود. پس یک تقسیم، تقسیم روش‌های تفسیری به اعتبار کامل بودن یا ناقص بودن ابزارها و منابع، تقسیم به روش تفسیری کامل و ناقص است. از روش تفسیری کامل به عنوان روش اجتهادی هم یاد می‌شود یعنی کسی که با اتکاء به همه ابزارها و منابع به اجتهاد در آیات پردازد، البته اینکه آیا عنوان روش اجتهادی به روش تفسیر کامل صحیح است یا خیر مسئله‌ای است که ما فعلاً در مقام بررسی تسمیه و نام گذاری این روش‌ها نیستیم.

#### **تقسیم دوم: تقسیم به لحاظ خود منبع**

ممکن است کسی روش‌های تفسیری را با ملاحظه ابزار یا منبع خاص تقسیم کند لذا بعضی گفته‌اند روش‌های تفسیری بر چند دسته‌اند که عبارتند از:

روش تفسیری قرآن به قرآن، روش تفسیری روایی، روش تفسیری عقلی، روش تفسیری عرفانی، تفسیر علمی و امثال آن که این تقسیم بندی به لحاظ منبع است و در این روش نقصان یا کمال روش تفسیری مورد لحاظ قرار نگرفته است.

#### **تقسیم سوم: تقسیم به لحاظ کلی**

بعضی دیگر گفته‌اند دو روش برای تفسیر وجود دارد: روش تفسیری نقلی و روش تفسیری اجتهادی و هر کدام هم پیشینه‌ای برای این روش‌ها ذکر می‌کنند که مثلاً در صدر اسلام همه تفسیرها نقلی بوده یعنی صرفاً با اتکاء به بعضی از نکاتی که بعضی از اصحاب از پیامبر (ص) نقل کرده بودند، آیات قرآن تفسیر می‌شد اما به مرور این شیوه عوض شد و کسانی وارد شدند که از ابزارها و منابع دیگر استفاده کردند و از قواعد عقلی و عقلایی کمک گرفته و آیات را به گونه دیگری تفسیر کردند لذا تفسیر اجتهادی در مقابل تفسیر نقلی مطرح شد.

«والحمد لله رب العالمین»